

در برنامه هفت مطرح شد: اولین مسئله در سینمای آخرالزمان ظهور منجی است/وقتی که انقلاب کردیم بخشی از فتنه آخرالزمان بودیم

برنامه سینمایی «هفت» بامداد شنبه ۸ آبان ماه با موضوع سینمای آخرالزمان روی آنتن شبکه سه سیما رفت. ابوالقاسم طالبی و بازیگران فیلم سینمای «یتیم خانه ایران» همزمان با آغاز اکران این فیلم میهمان بهروز افخمی بودند.

به گزارش ایسکانیوز به نقل از روابط عمومی این برنامه، طالبی در گفتگو با بهروز افخمی درخصوص حواشی ممانعت از اکران این فیلم بیان داشت: فیلم ما طبق برنامه قرار بود از ۵ آبان اکران شود اما شرایط ناگهان دو روز به اکران عوض شد و به ما اعلام کردند که مشکل دفاتر وجود دارد. اما پخش کننده ما آقای سرتیپی در مسافرت خارج از کشور بود و طبیعتاً هرکسی خودش نباشد جانشینی هم ندارد. لذا پیگیری های زیادی شد تا مشکل حل شود و خداروشکر حل شد.

طالبی: یک بیلورد شهری نداریم!

کارگردان فیلم سینمایی یتیم خانه ایران اضافه کرد: لذا کار تبلیغاتی و پخش ما ضعیف است و امروز یک بیلورد شهری نیز از ما بالا نرفته است! تنها چند تیزر آن هم به لطف آقای علی عسگری در تلویزیون پخش شد. در شهرستان ها و برخی سالن های تهران نیز هنوز فیلم اکران نشده است. قاعدتاً موتور اصلی اکران ما از فردا روشن می شود.

وی درخصوص علت سریال ساختن این موضوع برای پخش از تلویزیون گفت: خیلی ها به من گفتند چرا سریال نساختی. اما سریال تلویزیونی برای چنین موضوعی جامعه را دچار افسردگی می کند. سریال روزنامه است و سینما کتاب! من به نظرم رسید ما باید برای چنین اتفاق تلخی یک کتاب در سینما داشته باشیم. متأسفانه کسی نمای روشنی از قحطی آن سال ها ندارد و همه خاطراتی مبهم به یاد دارند و این فاجعه عظیم در کتب درسی تاریخی ما نیز از زمان پهلوی تا بعد از انقلاب گنجانده نشده است!

فیلم را تنها با ۸ میلیارد تومان ساختیم

طالبی درخصوص هزینه های ساخت این فیلم گفت: برآورد مالی فیلم بسیار بالا بود. اما در سفری که در سوریه با بهروز افخمی داشتیم اتفاق های خوبی افتاد و آنجا با کمک بهروز افخمی و تجهیزات و لوکیشن های مانده از فیلم فرزند صبح توانستیم هزینه تولید فیلم به

اندازه ۹ میلیارد تومان بکاهیم! لذا بسیاری باورشان نمی شود که ما این فیلم را با تنها ۸ میلیارد تومان تولید کردیم.

طالبی ادامه داد: بازیگران خارجی را با رج زنی خوب به گونه ای به ایران آوردیم که هزینه تمام بازیگران خارجی ما کمتر از بازیگران ایرانی شد. چیزی کمتر از ۵۰۰ میلیون تومان. من بازیگران خارجی فیلم را با وب کم و مکالمه اینترنتی با آنها انتخاب کردم تا هزینه ها کاسته شود. والا می توانستم ۱۰ روز به انگلیس بروم.

وی افزود: بازی آقای جعفر دهقان در این فیلم یک بازی جدیدی بود که از پس نقش نیز به خوبی برآمد. این نقش را قرار بود در ابتدا آقای مرحوم ارجمند بازی کنند. الحمدلله همه بازیگران و عوامل در این فیلم به خوبی همراهی کردند.

در ادامه برایان طرفه، بازیگر خارجی فیلم بیان داشت: تجربه همکاری با ابوالقاسم طالبی تجربه بسیار خوبی بود. مانند کودکی بودم که قرار بود به او شنا یاد دهند اما به ناگهان به درون آب پرتش کرده باشند. بازی با یک گروه ایرانی و بزرگ و فارسی صحبت کردن شبیه به این بود. من بازیگر تئاتر کمدی و موزیکال در انگلستان بودم.

نورایی: برخی گمان می کنند سینما ملک پدری شان است

علیرام نوری، بازیگر نقش اصلی یتیم خانه ایران بیان داشت: برای ارتقا و بهبود آمادگی بدنی ام برای بازی در مارتن سخت این فیلم آموزش های زیادی دیدم. آموزش سوارکاری و

نورایی درخصوص شایعات بایکوت او بعد از بازی در فیلم قلاده های طلا گفت: اول از همه باید گفت چه کسی بایکوت می کند؟ من بعد از قلاده های طلا همچنان مشغولم و راهم را در سینما ادامه می دهم. برخی گمان می کنند سینما ملک پدری شان است و همین آنها را دچار توهم می کند!

طالبی: هیچ کدام از بازیگران قلاده های طلا هیچگاه بایکوت نشدند

طالبی در همین خصوص بیان داشت: یکی از معضلات و مشکلات سینما توهم است. امین حیایی هیچگاه بعد از قلاده های طلا بایکوت نشد و کسی اصلا نمی تواند و جرات ندارد کسی را بایکوت کند. بله سعی کردند این جو را ایجاد کنند که وای بایکوت می شوید، اما هیچ کدام از بازیگران آن فیلم هیچگاه واقعا بایکوت نشدند!

وی افزود: آقای برایان اهل انگلیس است، اما در فیلمی کاملا علیه انگلیس بازی کرده است. اصلا سینما این نیست. واقعی نیست. مجاز است. برخی خیلی واقعی آن را نگاه می کنند و بچه بازی درمی آورند. باید این طرز نگاه را کنار بگذارند.

من یک فیلمساز انقلابی ام

این کارگردان ادامه داد: کسانی که چنین تصورات خامی و چنین خیالاتی در سر دارند، باید به روان پزشک مراجعه کنند. قطعا با خوردن

قرص خوب می شوند! ما ۵ سال برای یتیم خانه ایران وقت گذاشتیم. و الان نیز داریم بر روی فیلم جدید کار می کنیم. اصلا دست این افراد نیست. همه چیز دست خداست. تعزمن تشاوتدل من تشا! اندیشه های من مشخص است. من یک فیلمساز انقلابی ام. ۱۶ سالم بوده که با امام (ره) بیعت کردم و تا زنده ام همین خواهد بود. هیچگاه کتمان نکردم و ادا هم درنیاوردم.

طالبی با اشاره به توقیف فیلم آقای رئیس جمهور گفت: من وقتی فیلم سینمایی آقای رئیس جمهور را می ساختم می دانستم چنین برخوردی می شود. فیلم را توقیف کردند و هنوز هم حاضر نشدند در تلویزیون آن را پخش کنند! من زمانی به شوخی به آقای ضرغامی می گفتم نمی خواهید فیلم را پخش کنید؟ او هم می گفت عه! پخش نکردند؟! نهایتا گفت آقای خاتمی بدش می آید. بعد گفتند آقای احمدی نژاد بدش می آید. حالا نمی دانم آقای روحانی هم بدشان می آید یا خیر...

وی نهایتا بیان داشت: از افرادی که اهل فکر و نظرند که وقت مطالعه و پژوهش ندارند درخواست می کنم بروند فیلم یتیم خانه ایران را ببینند تا با قطعه ای گم شده از تاریخ معاصر ایران آشنا شوند.

میرشکاک: رفتن سراغ سینمای آخرالزمان باور قوی می خواهد

هفت در ادامه میزان یوسفعلی میرشکاک، نویسنده بود تا با بهروز افخمی درخصوص سینمای آخرالزمان گفتگو کند. وی بیان داشت: من معتقدم ما خودمان وقتی که انقلاب کردیم بخشی از فتنه آخرالزمان بودیم. لذا جهان غرب و جهان عرب به جان ما افتادند بلکه سر این فتنه را بخوابانند! بعدها شروع کردند ادای ما را درآوردن و طالبان و داعش را به راه انداختند. اما این انقلاب خود به خود گل کرد. یعنی خود ما بازیگران اولین فیلم آخرالزمانی شدیم.

وی افزود: وقتی به تقلید از غرب رفتیم و دوست داشتیم سینمایی شبیه به آنها داشته باشیم و مصالح سیاسی و دینی و... را درنظر نمی گیریم - چون سینمای هالیوود به هیچ وجه مصلحت اندیشی چیزی را نمی کند - بین این دو راهی ماندیم. فیلمش را ناقص و ابتر بازی کنم یا راهش را ادامه دهیم؟

این نویسنده ادامه داد: اساسا هنرمندان ما بدون ترس و حساسیت سراغ کدام موضوع می توانند بروند که سراغ سینمای آخرالزمان بروند؟ اما اساسا مسئله این نیست. اولین مسئله در سینمای آخرالزمان ظهور منجی است. یعنی یک باور خیلی قوی می خواهند و رفتن به سمت اسطوره و ربط دادن اسطوره به اسوه. منجی تنها ویژه ما نیست. ویژه همه ادیان است. از هر کیشی همه با هم این را گفته اند. خب چه کسی می تواند این را جمع کند؟ اولاً اینکه باور داشته باشد. نه باور عوامانه! که اسپانسر باشد، میلیارد تومان خرج شود که ده میلیون تومان بفروشد!

وی نهایتا گفت: اگر بخواهیم روشنفکر بازی را کنار بگذاریم می توانیم راجع به این موضوعات فیلم بسازیم. ظهور رندانه، پست مدرن، نیمایی، پسانیمایی و... توانسته در شعر بروز کند. چرا نتواند در سینما بروز کند؟ نیازی به رفتن به سراغ اسطوره و خلق اسطوره و ... هم ندارد. هر جا که در بستر یک داستان فلسفه ظهور بروز کند کافیهست.

نقد مستند نویسنده بودن

برنامه هفت در بخش انتهای خود با حضور مسعود فراستی، مصطفی آل احمد کارگردان مستند نویسنده بودن و مهدی قزلی نویسنده

مستند جلال در اسالم به نقد و بررسی این دو مستند درباره زندگی نامه جلال آل احمد پرداخت.

مصطفی آل احمد، کارگردان مستند نویسنده بودن از آثار اکران شده در گروه هنر و تجربه در ابتدا بیان داشت: جا دارد از برنامه هفت بخاطر توجه به نقد فیلم های مستند در بخش میز نقد خود تشکر کنم. داستان ساخت این فیلم مفصل است چون در دوره های مختلفی تولید شده است. از حدود سال ۸۰ فیلمبرداری آن آغاز شد اما نه بخاطر جلال، چون در ابتدا قرار بود فیلم برای سیمین دانشور تولید شود و بعد موضوع آن عوض شده است.

مهدی قزلی نیز در این خصوص بیان داشت: من نیز تشکر می کنم. بازکردن پای ادبیات به این برنامه که با وجود سابقه آقای افخمی انتظار هم می رود بیشتر و بیشتر این اتفاق رخ دهد، جای تبریک و تشکر دارد.

در ادامه مسعود فراستی درخصوص مستند نویسنده بودن بیان داشت: نویسنده بودن عنوان مناسبی برای این فیلم نیست چون بیشتر از نویسنده بودن به جوانب دیگر این فرد پرداخته می شود. دوم اینکه نبود منابع کافی سبب می شود که نهایتاً بعد از تماشای فیلم چیز زیادی دست ما را نمی گیرد. یک سری تصاویر آرشیوی داریم که حذف آن چیزی را کم نمی کند. فیلم به شدت کمبود ملات تحقیقی دارد. مستندی که قرار است پرتره شخصیت مهم در تاریخ ایران باشد، هم به لحاظ سیاسی و هم به لحاظ ادبی باید داری پژوهش قوی تری باشد.

نگاه جانبدارانه در روایت های زندگی جلال

آل احمد پاسخ داد: من امشب دوست داشتم برخلاف دیگران با مسعود فراستی موافق باشم و نقدپذیر باشم. چون در جامعه ما متأسفانه هیچ کسی نقد نمی پذیرد از دکتر و مهندس تا وزیر و رئیس جمهور. اما من معتقدم طبیعی است که فیلم من نیز نظیر همه فیلم ها دارای اشکال است و بی نقص نیست. پس منتظر بودم تا با مسعود فراستی بر سر نقد فیلمم همنظر باشم. اما این چنین نشد و متأسفانه نقدهای مسعود را درست نمی دانم. در فیلم من ملات محتوایی کم نیست و با افراد بسیاری مصاحبه شده است.

در ادامه قزلی اظهار داشت: اما شما رابطه جلال و امام را حذف کردید. نامه جلال آل احمد به امام (ره) در فیلم به شدت مورد تفاعل و تجاهل قرار می گیرد. این تفاعل و تجاهل از سوی کارگردان و همه مصاحبه شوندهگان به نظر نوع نگاهی را در توصیف جلال نشان می دهد. این نگاه را باید تشریح کرد. متأسفانه در همه سال ها جلال آل احمد هر زمان روایت شده است از سوی روشنفکران روایت شده است و سعی کردند از جلال به منع منافع خود استفاده کنند.

آل احمد: جنبه های پاپیولار جلال مسئله ما نبود

آل احمد در این خصوص اظهار داشت: اتفاقاً جلال هر بار روایت شده است از سوی جریان ایدئولوژیک مصادره شده است و سعی کردند بخش هایی از خود واقعی جلال را نادیده بگیرند و جلال ایده آل خود را بسازند! من با اقوام جلال نیز صحبت کردم اما قرار نبود از جنبه های پاپیولار جلال با ایشان روبرو شویم! لذا آنها را حذف کردم. خودم را نیز حذف کردم تا در جریان ساخت این فیلم تنها از زاویه دید و نوشته های جلال با وی آشنا شویم.

ناتوانی نویسنده بودن در نزدیک کردن جلال به مخاطب

در ادامه فراستی گفت: فیلم نویسنده بودن به هیچ وجه جلال را به مخاطب نزدیک نمی کند. چه جلالی که من می شناسم چه اگر من نمی شناختم چیزی به من نمی دهد که به سمت آن بروم. ضمن اینکه چیزی به اسم بی طرف بودن را در توضیف نمی فهمم. فیلم اصلا فرم ندارد. یعنی فرم مستند ندارد. یک سری مصاحبه است که کارگردان با نشاختن مدیوم و بدون انضباط دوربین و ویژگی های فرمی فیلم گفتگومحور، آنها را به هم متصل کرده است.

انضباط، کلیشه محوری ست

آل احمد در پاسخ بیان داشت: این انضباط نیست. به نظرم این کلیشه محوری ست. اتفاقا فرم اینجا باید در خدمت نماد باشد. سعی من این بوده که هم تنوع و هم در نسبت حرفی که زده می شود، این تغییر کادر صورت گیرد.

مسعود فراستی ادامه داد: من ایدا نماد را بلد نیستم. این که کسی سمت چپ، راست، وسط و... قرار گیرد نمی فهمم چه نمادی دارد! این چشم را اذیت می کند. این فقط تنوع است و تنها حس را منقطع می کند. هیچ چیز بی انضباطی فرم نمی سازد. فرم با انضباط شکل می گیرد. آدم ها مطلقا که تنها دونفرشان به من حس می دهند حسی ندارند و تنها یکسری اطلاعات می دهند که در نماهای کلوزآپ و حتی اکستریم کلوزآپ دیده می شوند! اما نماهای مربوط به این دو فرد کاملا حس دارند و در فیلم خوب هستند باقی بلکل غیرقابل دفاع هستند.

این منتقد افزود: ما وقتی ملات کافی برای فیلم نداریم، با کوچک و بزرگ کردن کادر اتفاق تازه ای نمی افتد. راهش این بود که ما انقدر جلال را کاریکاتوریزه توصیف نمی کردیم. از طریق نقد و خاطراتی که از او می شنیدیم فیلم را جلو می بردیم.

در ادامه افخمی اظهار داشت: ما امشب دو مستند با دو منظر مختلف از جلال را در میز نقد وارد کردیم چون من فکر می کردم نقد کردن قیاسی مستند نویسنده بودن در کنار جلال در اسالم سینمایی تر و بهتر است. هرچند من هر دو فیلم را دوست دارم اما جلال در اسالم را بیشتر پسندیدم. البته شاید اگر قرار بود مستند دوم را نیز مانند اولی در ۱۲۰ دقیقه بسازند دیگر فرمش را از دست می داد و بدین گونه نمی شد.

سیاسی بودن بجای نویسنده بودن!

قرلی نیز خاطرنشان کرد: من به دنبال معرفی مستند خود نیستم اما آنچه که برایم دغدغه مند هستیم، این است که شما آقای آل احمد، در مستندتان رابطه جلال را با برخی افراد از جمله مرد بزرگی مثل امام (ره) حذف کرده اید و روایت خود را از وی ساخته اید. این نامش زندگی نامه نیست. چرا نامه جلال به امام در مستند شما حذف شده است؟ چرا غروب جلال و سیمین دانشور از روایت شما حذف شده اند؟

مردانه بگوئید ما روایت خود را ساخته ایم.

نویسنده کتاب جای پای جلال ادامه داد: بخش ارتباطات مردمی جلال در این فیلم نادیده گرفته شده است. بله جلال اهل سیاست بود اما موضوعی میان موضوعاتش بود. اگر بخواهیم بگوئیم عاشق چه بود؟ عاشق نوشتن و معلم بودن بود. او هر جا حقه بازی می دید بیرون می کشید. اما این مستند بیش از نویسنده بودن درباره سیاسی بودن است!

آل احمد درخصوص این اتهام بیان داشت: حذفی صورت نگرفته است. من روایت خود را ساخته ام. رابطه جلال با امام و نامه ای که از آن سخن می گوئید به نظرم آنقدر تاثیرگذار و مهم نبوده است. هرچند ما به همه این مسائل به اندازه کافی در مستند پرداخته ایم. دوران ایدئولوژیک گرایی تمام شده است و من سلکشن خود را ساخته ام!

فراستی نهایتاً بیان داشت: آنچه که نویسنده بودن به من می دهد علی رغم ژست بی طرفی، تلاشی برای مخدوش کردن چهره جلال است و آنچه که مستند جلال در اسالم به من می دهد کوششی برای مردمی نشان دادن اوست و تا حدودی موفق است.

برنامه سینمایی هفت با اجرا و سردبیری بهروز افخمی هر هفته جمعه شب ها روی آنتن زنده شبکه سه سیما می رود.

۵۰۲۵۰۲